

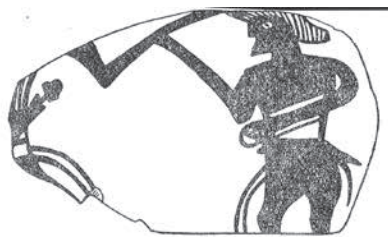
تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

رژیم‌شناسی در سر تکامل لباس ایرانیان در ادوار مختلف

در قسمت پایین حجاری شده‌اند و دست‌هایشان از پشت بسته شده است، در بالای نقش و در بین سر شاه و الهه‌ی نی‌نی دایره‌ای نقش شده که داخل آن ستاره‌ای چهار پر قرار دارد.» (از کتاب ایران تا آغاز اسلام، تألیف دکتر گریشمن، ترجمه آقای دکتر معین، صفحه ۳۵)

در کشفیاتی که از منطقه سیلک به عمل آمده و تمدن آن مربوط به دوره پس از ورود آریائی‌ها به ایران است؛ تصویر انسانی روی ظرف گلی پیدا شد که مولف کتاب ایران تا آغاز اسلام در موردش چنین می‌نویسد: «تصویر انسان در سیلک بسیار قدیمی‌تر از یونان است که نیم‌رخ انسانی در قرن هشتم قبل از میلاد در ظروف گلی تکامل یافته آن ظهور کرده است. در ظروف سیلک تصاویری از مردان که پیاده می‌جنگند و دارای کلاه خود با جیغه و پر و نیم تنه کوتاه چسبان هستند، نقش شده است. روی یک مهر استوانه‌ای صورت جنگاوری بر پشت اسب منقوش است که با غولی می‌جنگد، غول نیز به همین طرز لباس ملبس است و کفش‌های نوک برگشته برپا دارد.

در تصویر شماره ۲، انسان مربوط به تمدن سیلک دیده

تصویر شماره ۲- تصویر انسان مربوط به
تمدن سیلک روی ظرف گلی

«اکدی» در راستای نقش برجسته حجاری شده است. در این نقش برجسته آنوبانی‌نی به حالت ایستاده در سمت راست حجاری شده که دارای ریش بلند و صورتی نیم‌رخ است و کلاه مدوری بر سر، گردنبندی بر گردن و کمربندی بر کمر دارد، لباس او کوتاه و مطابق و کفش‌هایش از نوع صندل است که به نوعی لباس‌های مردم مادرا در هزاره اول پیش از میلاد تداعی می‌کند، در دست راست وی سلاح و در دست چپش کمانی دیده می‌شود و در زیر پای آنوبانی‌نی دشمن‌های شکست خورده حجاری شده است.

در مقابل شاه، الهه نی‌نی ایستاده است، او نیز کلاهی بلند و منگوله‌دار و پیراهنی پشمی تا مچ پا بر تن دارد، الهه‌ی نی‌نی تیردانی پر از تیر در پشت دارد و با دست راست حلقه‌ی سلطنتی را به طرف آنوبانی‌نی دراز کرده است، در دست چپش سر طنابی با هشت اسیر دیده می‌شود که همگی برهنه هستند و از این اسرا دو نفر در پشت سر الهه نی‌نی و شش نفر دیگر



تصویر شماره ۱- نقش برجسته آنوبانی‌نی پادشاه لولوبیان

بی‌تردید ایرانیان با لباس‌های ترمه، زربافت و مخمل خود، نظر جهانیان را به خود جلب می‌نمودند و به طرف مقابل می‌فهماندند که ایرانیان، مردمانی هنرمند، با فرهنگ و دارای پیشینه درخشان می‌باشد و به آن اهمیت می‌دهند و افتخار می‌کنند. قبلاً اشاره کریم که دکتر گریشمن همراه هیأت باستان‌شناسان فرانسوی، مأمور ایران شد و در گیلان، لرستان، اسدآباد و سیلک مشغول حفاریات گردید. نامبرده کار خود را بر ۶ موضوع گذاشته است. ماقبل تاریخ، ورود ایرانیان، شرق ضد غرب، غرب ضد شرق و عکس‌العمل مشرق و توسعه تمدن ایرانی.

وی در مطالعات خود در مورد اقوام و خاندان‌های آریایی، سکائی‌ها، مادها، پارسیان پارتیان، ساسانیان، کوشانیان و هندوان بحث می‌کند. این کتاب را استاد مالوان «تلویزیون عهد باستان» نامیده است. در کتاب نامبرده، دو بخش مربوط به ایران در هزاره سوم پیش از میلاد که تقریباً مقارن با همان دوره‌های افسانه‌ای است، نقشی از پادشاه لولوبی یکی از حکومت‌نشینان آن زمان ایران که لباسی مخصوص به تن دارد، آورده شده که شرح آن چنین است: «نقش برجسته دیگری که رسمیت آن بیشتر است، در دو نسخه، در بالای صخره مدخل دهکده جدید «سرپل» حجاری شده است.

تصویر شماره یک، شاه آنوبانی‌نی پادشاه لولوبی را نشان می‌دهد با ریشی طویل و مربع، کلاهی مدور و جامه‌ای کوتاه، مسلح به کمان. او پای خود را بر دشمنی که بر زمین افتاده، نهاده است. علاوه بر نقش برجسته‌ی آنوبانی‌نی، کتیبه‌ای نیز به خط



در حدود ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، بافندگی ظریفتر در فلات ایران معمول شد و ظرافت پارچه‌های این دوره به خوبی می‌تواند به ما ثابت کند که دوره نسبتاً طولانی بافندگی به منظور پوشانیدن تن به پایان رسیده و ابتکار و ذوق بیش از احتیاج رواج پیدا کرده بود

شنیده‌ها و کتاب‌های دوره ساسانی، مدارکی در دست نداشته‌اند به دوره تمدن ماقبل مادی و هخامنشی پی برده‌اند. این مطلب را رنه گروسه با زبان علمی بیان می‌کند «اگر دوره آغاز تاریخ را هم در نظر بگیریم - که در ایران بر اثر حفاری‌های شوش به خوبی روشن شده و به علاوه فلات خزر در آن حکم شوش بزرگتری را دارد- خواهیم دید که تمدن ایران به صورت‌های متوالی خود (ماقبل آریایی، مادی، هخامنشی پارتی، ساسانی و اسلامی) در مدت ۵۰ قرن بدون انقطاع به حیات خویش ادامه داده است...»

از این‌که در فلات ایران هم انسان‌ها پیش از آشنایی با ریسندگی و بافندگی، لباس خود را از پوست حیوانات درست می‌کردند، مطالبی در ادامه آورده شده که از نظر تان می‌گذرد «لباس‌های مردم اولیه ایران بیشتر از مجسمه‌هایی شناخته می‌شود که در حفاری‌های مختلف پیدا شده و نوع لباس را مشخص کرده است. قدیمی‌ترین مجسمه انسانی در فلات ایران پیدا شده است، این مجسمه کوچک بوده و متعلق به ۴۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌باشد لباس این مجسمه در کاشان به دست آمده است. این لباس از پارچه‌ای است که به صورت



فرستان هزاره دوم سلیک ۴۲۰۰ ق- م لرستان ق- م

تصویر شماره ۴- تصاویر باستانی

و لوازمی که از تپه سلیک کاشان به دست آمده و همچنین خطوط عمومی و افقی که به شکل بافت یا پارچه روی ظروف سفالین آن دوره (۴۷۰۰ سال قبل از میلاد) به دست آمده، نشانگر آشنایی مردم با فن بافندگی است.

اولین پارچه بافته شده در ایران به ۴۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد که در حفاریات شوش به دست آمده است. یک تیغه مسی که با سفال‌های عهد اول در شوش به دست آمده معلوم می‌کند که در دوره تمدن شوش (۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح) بافتن پارچه معمول بود و فن پارچه بافی یا توجه به ظرافت پارچه‌ها کمال را طی کرده بود و قسمت‌هایی از این قطعه پارچه هم اکنون در موزه‌های لوور و بافلو موجود است. از یک میله فلزی در تپه حصار دامغان با آثار دیگری متعلق به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد به دست آمده که این میله مخصوص ریسندگی بوده و نخ‌های نازک با آن می‌تاییدند. این میله نشانه پیشرفت ریسندگی در آن زمان می‌باشد.

در حدود ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، بافندگی ظریفتر در فلات ایران معمول شد و ظرافت پارچه‌های این دوره به خوبی می‌تواند به ما ثابت کند که دوره نسبتاً طولانی بافندگی به منظور پوشانیدن تن به پایان رسیده و ابتکار و ذوق بیش از احتیاج رواج پیدا کرده بود. بدین ترتیب از روی اکتشافات قابل استناد تاریخی و باتوجه به آنچه از نوشته‌های محققین و تحقیقات و ایران شناسان نقل شده است می‌توان پذیرفت که در آن دوران انسان‌هایی بوده‌اند که به فن ریسندگی و بافندگی دست پیدا کردند و از این فن بهره برده‌اند که این مساله از حدود ۱۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح بوده است. در آن زمان از پشم گوسفند و بز برای بافتن پارچه استفاده می‌کردند. همچنین سیری اجمالی در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی نشان می‌دهد پیشدادیان نخستین ایرانیانی بوده‌اند که کار ریسندگی و بافندگی و خاصه دوخت به آنان منسوب بوده است. (از کتاب صنایع کوچک ایران، تألیف زنده‌یاد دکتر نیازمند، صفحه ۱۶)

از نوشته‌ها و اشعار افسانه‌ای چنین برمی‌آید با آن‌که پیدایش ریسندگی و بافندگی به افراد مخصوص نسبت داده می‌شود نه به جوامع اما حتی افسانه‌پردازان و یا تاریخ‌نویسانی که جز گفته‌ها،

می‌شود و چنان‌که از دو مضمون بالا برمی‌آید، در زمانی که حدود آن به ۵ هزار سال پیش از میلاد می‌رسد، نقش‌های مردان با تن‌پوش تصویر شده است. بنابراین به نظر می‌رسد صنعت ریسندگی و بافندگی دست‌کم از ۱۰ هزار سال پیش از میلاد شروع شده است و بدین‌سان دکتر گریشمن از روی تحقیقات و اکتشافات قابل استناد تاریخی و نه از روی افسانه‌ها و داستان‌ها، ثابت می‌کند که در مرکز و غرب و سایر مناطق فلات ایران، صنعت بافندگی و تولید جامه از ۱۰ هزار سال پیش از میلاد شروع شده است.



تصویر شماره ۳- نقش برجسته بانوی بافنده

در تصویر شماره ۳، نقش برجسته بانوی بافنده دیده می‌شود که احتمالاً عیلامی است و نقش برسته آن روی سنگ حجاری شده است.

زنده‌یاد دکتر رضا نیازمند تحقیقاتی انجام داده‌اند و نتایج تحقیقات خود را در کتابی به نام «صنایع کوچک ایران» گرد هم آورده‌اند. در این کتاب، مطالب بسیار جالبی در مورد بافندگی در دوره‌های مختلف و نیز دوره ماقبل تاریخ وجود دارد که چون مستندات و شواهد تاریخی متعددی دارد، بسیار ارزشمند و قابل تأمل می‌باشد.

«وسایلی که در غار کمربندی در نزدیکی بهشهر (مازندران) وسایلی بدست آمده است که قدمت آن به چیزی حدود ۶۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد؛ این وسایل نشان می‌دهد که ریسندگی نخ از پشم گوسفند و موی بز در آن زمان متداول بوده است. اولین پارچه بافته شده در ایران به ۴۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد که در حفاریات شوش به دست آمده است.

هردوت نیز از نساجی ایران تعریف می‌کند و فردوسی، جمشید را مخترع دستگاه بافندگی می‌داند. وسائل

در طبقات شوش متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد، آثار پارچه به دست آمده است. نقوش برجسته کلد و عیلام متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد، سربازانی دیده می‌شوند که لباسی از پوست حیوانات (ظاهراً پوست گوسفند) دربردارند

لنگ و کمر بسته شده است؛ وجود این پارچه خود دلیل آن است که ساکنین آن روزگار فلات ایران از پوست حیوانات به طور طبیعی استفاده نمی‌کردند بلکه از پشم پارچه‌هایی می‌بافتند و آنها را لنگ‌وار بدون تصرف و برش بسیار ساده به دور کمر خود می‌پیچیدند.

تصویر شماره ۴، آثار کشف شده از لرستان متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد. در نواحی دیگری نیز مانند شوش و دامغان در روی ظروف سفالی، نقش انسان دیده می‌شود ولی در این نقوش نمی‌توان اثر هیچ‌گونه لباسی را تشخیص داد. در طبقات شوش متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد، آثار پارچه به دست آمده است. نقوش برجسته کلد و عیلام متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد، سربازانی دیده می‌شوند که لباسی از پوست حیوانات (ظاهراً پوست گوسفند) دربردارند و این نقوش گفته ما را در مورد استفاده از پوست حیوانات به طور طبیعی تأیید می‌کند.

در این دوره است که انسان، ذوق خود را به کار انداخته و برش ساده به پوست می‌دهد و به طرز زیبایی به شکل شال آن را به یک طرف شانه انداخته و روی شانه چپ گره زده و شانه راست، برهنه و آزاد است.

در تصویر توممان - پادشاه عیلام - لباس‌ها تزئینات بیشتری به خود گرفته است. در این تصویر یک عده کماندار هستند که قبا‌های آنها تا روی زانو رسیده است، اطراف آن هلالی شده و ریشه‌هایی به دور آن دوخته شده، روی آن کمر بند ستبری بسته شده است، کلاه‌های مدور کنگره‌ای بر سر دارند. دسته دیگر اسلحه ندارند. قبای راسته پوشیده‌اند، کمر بند هم نیسته‌اند و دور قبای آنها گلدوزی شده است. کلاه‌های آنان به شکل مخروط است و چکه ساق بلندی به پا کرده‌اند.

مکان پیدایش انسان

پرسش قدیمی و مهمی که همچنان نظر پژوهشگران انسان‌شناسی را به خود جلب می‌کند، مکان پیدایش انسان است. تا چندی پیش نظریه غالب در این خصوص، نظریه معروف به منشأ واحد بود که خاستگاه مکانی انسان را شرق آفریقا در نظر می‌گیرد اما با پیدایش آرواره تختانی یک انسان راست قامت اولیه از یک محل باستانی در نزدیکی شهر دامانیسی واقع در گرجستان با قدمتی حدود ۱۲۸ میلیون سال، تاحدودی نگاه‌ها را از آفریقا به سمت غرب آسیا معطوف کرده است. این آرواره تختانی، بدون تردید قدیمی‌ترین نشانه حضور انسان در این قاره کهن است و شاید یکی از قدیمی‌ترین اسکلت انسان از نوع هومواریکتوس در جهان باشد. برخی مورخان قدمت این آرواره به خوبی با قدیمی‌ترین نمونه‌های به دست آمده در شرق آفریقا برابری می‌کند.

نکته مهم‌تر این که پرسابقه‌ترین نمونه شناخته شده انسان امروزی نیز از خاورمیانه (فلسطین کنونی) به دست آمده است که به اعتقاد برخی انسان‌شناسان، شاخه‌ای از انسان راست قامت می‌باشد. چنین امری، اهمیت بازنگری نظریه خاستگاه آفریقایی انسان را دوچندان کرده است. طبق آخرین آمارهای ارائه شده، حدود پنج‌هزار فسیل متعلق به انسان نماها کشف شده که قدمتی بین یک تا ۴ میلیون سال دارند. با وجود این مسائل، سوال اصلی هنوز باقی است که کدامیک از این فسیل‌ها جد انسان امروزی هستند؟ تنها چیزی که می‌توان درباره خاستگاه مکانی انسان گفت آن است که این محل می‌تواند در شرق آفریقا، خاورمیانه و منطقه دیگری در قاره آسیا باشد. در این باره شاید بتوانیم دو قاره آمریکا و استرالیا را از داشتن چنین بختی میرا کنیم! اما نکته جالب و مهم این است که می‌توان با کمال اطمینان ابراز نمود اولین مرد بدون هیچ تردیدی با اولین زن همراه بوده است.

در نهایت با صراحت باید اذعان کرد با وجود حجم نسبتاً زیاد اطلاعات و پژوهش‌های فوق‌العاده وسیع و تخصصی هنوز نمی‌توان زمان و مکان پیدایش انسان را مشخص کرد.

انسان کهن در ایران: اغلب متخصصین از نظریه «تک مرکزی» طرفداری می‌کنند. این صاحب‌نظران بر این باورند که انسان منشأ واحد داشته و تنها یک بار

به وجود آمده (متولد شده) و خاستگاه او نیز شرق آفریقا (کشورهای اتیوپی، کنیا، تانزانیا و آفریقای جنوبی) بوده است. آنها معتقدند که بخشی از انسان‌های اولیه (هومواریکتوس‌ها) به دلایل تقریباً نامشخص تصمیم به مهاجرت از آفریقا گرفتند. تعدادی از طریق شمال این قاره با عبور از تگه جبل الطارق وارد قاره اروپا شدند که این زمان را حدود ۱/۵ میلیون سال پیش تعیین کرده‌اند. عده‌ای دیگر از این انسان‌ها از طریق ورود به عربستان، وارد آسیا و از شمال این منطقه وارد جنوب غرب ایران شدند و از این منطقه به دو دسته تقسیم شدند. عده‌ای با عبور از سرتاسر شمال خلیج فارس و دریای عمان خود را به سیستان رسانده و دسته دوم به طرف شمال حرکت کرده و با به تسخیر درآوردن سرتاسر زاگرس و آذربایجان شده و از آنجا به قفقاز رفته‌اند و از آن طریق شاید به اروپا رفته‌اند.

اما گروهی که به سیستان آمده‌اند نیز خود دو مسیر را انتخاب کردند. دسته‌ای از طریق سیستان به پاکستان امروزی و سپس به شبه قاره هند و در نهایت به جنوب شرقی آسیا رسیدند. دسته‌ای دیگر از سیستان به طرف شمال حرکت کرده و با عبور از خراسان و افغانستان خود را به چین امروزی رساندند.

یکی از دانشمندان برجسته فرانسوی در معروف‌ترین اثر خود تحت‌عنوان «دوره پارینه سنگی در جهان»، ایران را به‌عنوان پل ارتباطی بین قاره آفریقا و شرق آسیا در دوره پارینه سنگی یاد می‌کند. به نظر او، سرتاسر شمال سواحل جنوبی ایران جاده اصلی عبور انسان‌های اولیه از شرق آفریقا به شرق آسیا بوده است. پس به احتمال زیاد سرزمین کنونی ایران، به علت ویژگی‌های منطقه‌ای و جغرافیایی خاص از حدود حداقل یک میلیون سال پیش مسیر عبور و مهاجرت اولین انسان‌های راست قامت (ساکن در شرق و جنوب شرقی آفریقا) به طرف خاور و جنوب غربی آسیا (چین و اندونزی) بوده است و به‌عنوان جاده مهاجرت انسان‌ها از آفریقا به آسیای جنوب شرقی در نظر گرفته می‌شود آثار به دست آمده از این سرزمین پهناور می‌تواند به نوبه خود به‌عنوان قدیمی‌ترین عناصر و ترکیب‌های فرهنگ غیرمادی شناخته شده در جهان به شمار آید و به همین دلیل است که کار مطالعات در ایران، فوق‌العاده پراهمیت و لازم تشخیص داده شده است.